

طراحی و ارزیابی یک سامانه بازسازی گفتار به روش هم‌گذاری واحدهای حساس به بافت نوایی

وحید صادقی

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

چکیده:

در این مقاله، سه گونه گفتاری متفاوت از کلماتی یکسان از طریق هم‌گذاری هجاها به سه روش متفاوت بازسازی شدند. در روش اول، کلمات از طریق هم‌گذاری هجاهای حساس به بافت نوایی بدون پردازش فرکانس پایه و دیرش هجاها ساخته شدند. در روش دوم، ابتدا کلمات با هجاهای غیرنوایی هم‌گذاری و سپس هجاهای درون کلمات هم‌گذاری شده با توجه به جایگاه نوایی کلمات در سطح جمله در حوزه فرکانس پایه و دیرش پردازش شدند. در روش سوم، کلمات بدون هر گونه پردازش نوایی از طریق هم‌گذاری هجاهای غیرنوایی ساخته شدند. کلمات بازسازی شده سپس در جایگاه‌های نوایی آغاز و پایان IP، AP و PW در درون سه جمله حامل قرار داده شده و پس از تولید در یک آزمون ادراکی به آزمودنی‌ها ارائه شدند. نتایج آزمون ادراکی نشان داد که کیفیت گفتار بازسازی شده نوع اول و دوم در تمامی جایگاه‌های نوایی به‌طور معنی‌داری از نوع سوم طبیعی‌تر است. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده کیفیت گونه‌های گفتاری نوع اول و دوم در حد "طبیعی" است ولی میزان طبیعی بودن گونه گفتاری نوع اول در تمامی جایگاه‌ها از نوع دوم بیشتر است و این تفاوت در بعضی از جایگاه‌ها معنی‌دار است. این نتایج نشان می‌دهد واحدهای بازسازی حساس به بافت نوایی، کیفیت گفتار بازسازی شده را تا حد قابل قبولی بهبود می‌بخشد.

واژگان کلیدی: بازسازی گفتار، واحدهای نوایی، گروه آهنگ، گروه زیرویمی، کلمه واجی، تغییرات زنجیره‌ای و زبرزنجیره‌ای

۱- مقدمه

در برنامه‌های بازسازی گفتار به روش هم‌گذاری، برابری آوایی واحدهای بازسازی از پیش ذخیره شده و طی فرایند هم‌گذاری بازخوانی و در کنار قرار می‌گیرند (Sato, 1992). در این برنامه‌ها بازسازی نوای گفتار در بخشی جداگانه با عنوان واحد پردازش نوایی انجام می‌شود. در این بخش منحنی زیرویمی گفتار طی دو مرحله بازسازی می‌شود. در مرحله اول، الگوی نوایی جملات در دو سطح واجی و آوایی تعیین می‌شود. در سطح واجی الگوی آهنگ به‌صورت توالی از نواخت‌ها مانند نواخت L، H و L-H* و غیره (Ladd, 1980) و (Pierehumbert, 1981) یا الگوهای زیرویمی کیفی مانند خیزان، افتان (Ladd, 1980) بازنویسی می‌شود. در سطح آوایی مقادیر مرجع فرکانس پایه و ترادف زمانی (نسبت زمانی نواخت با زنجیره آوایی) برای هر نواخت یا الگوی زیرویمی کیفی مشخص می‌شود (Pierehumbert, 1981).

این مقادیر با محاسبه میانگین مقادیر فرکانس پایه و ترادف زمانی نواخت‌ها از سطح پیکره‌های گفتاری به‌دست می‌آید. در مرحله دوم زنجیره آوایی هم‌گذاری شده متناسب با الگوی نوایی جمله و مطابق با مقادیر مرجع فرکانس پایه و ترادف زمانی در دو حوزه فرکانس و زمان تنظیم می‌شود و به این ترتیب برابری آوایی جدیدی برای هر واحد بازسازی متناسب با بافت نوایی جمله مورد نظر ساخته می‌شود. این روش یکی از رایج‌ترین روش‌های بازسازی آهنگ است و در تهیه بسیاری از برنامه‌های بازسازی مانند فستیوال (Alan, et al., 1999) و (Alan and Lenzo, 2033) و می‌تاک (Allen, et al., 1987) مورد استفاده قرار گرفته است.

در همین اواخر روش دیگری در بازسازی نوای گفتار مطرح شده است که بر اهمیت جایگاه و بافت نوایی در تهیه برابری آوایی واحدهای بازسازی و تأثیر آن بر کیفیت گفتار بازسازی شده تأکید بسیار دارد. این روش مبتنی بر این فرض

است که با انتخاب برابری‌های آوایی یک واحد بازسازی از بافت‌های نوایی متنوع و ذخیره‌سازی آن‌ها در دادگان برنامه، واحدهای بازسازی با حفظ ویژگی‌های طبیعی زنجیره‌ای و زیرزنجیره‌ای خود در جایگاه‌های نوایی مختلف وارد زنجیره گفتار بازسازی شده می‌شوند که این مسئله باعث می‌شود کیفیت گفتار بهبود یابد (Yoon, 2004 and 2008) و (Hirschberg and Prieto, 1996). با وجود واحدهای حساس به بافت نوایی اول آن که واحدها با حفظ ویژگی‌های نوایی طبیعی و ذاتی خود در جایگاه‌های نوایی مختلف از جمله دیرش، زیروبمی و شدت انرژی وارد زنجیره گفتار بازسازی شده می‌شوند و حجم تغییرات و تنظیمات نوایی لازم برای بازسازی آهنگ گفتار پس از هم‌گذاری واحدها کاهش می‌یابد. دیگر آن که تغییرات زنجیره‌ای پیوسته گفتار طبیعی در گفتار بازسازی شده حفظ می‌شود.

مطالعات انجام‌شده بر روی زبان‌های مختلف نشان می‌دهد که برخی ویژگی‌های زنجیره‌ای گفتار به صورت تابعی از الگوی نوایی واحدها قابل تغییر است. در (Pierrehumbert and Talkin, 1992) طی یک آزمایش درباره رابطه بین میزان فعالیت هم‌خوان‌های چاکنایی /h/ و /ʔ/ و ساخت نوایی زبان انگلیسی نتیجه‌گیری شده است که عواملی همچون تکیه واژگانی، تکیه زیروبمی و جایگاه این هم‌خوان‌ها نسبت به مرز کلمه واجی^۱، گروه واجی^۲ و گروه آهنگ^۳ بر میزان فعالیت این هم‌خوان‌ها اثر می‌گذارد. به‌طور مثال توزیع واک بازداشته در واکه‌های آغازی کلمه منطبق بر مرز گروه آهنگ در مقایسه با مرزهای نوایی کوچک‌تر بیشتر است. در (Jun, 1993) با اندازه‌گیری و مقایسه مقدار زمان شروع واک (VOT) برای انسدادی نادمیده /p^h/ در زبان کره‌ای در سه جایگاه نوایی آغاز گروه زیروبمی^۴، آغاز کلمه واجی و میان کلمه واجی نتیجه‌گیری شده است که مقدار این پارامتر در سطوح بالاتر سلسله مراتب نوایی در مقایسه با سطوح پایین‌تر بیشتر است. به‌علاوه مقدار آن در جایگاه‌های آغازی سطوح نوایی در مقایسه با جایگاه‌های میانی بیشتر است. در (Smith, 1997) در یک آزمایش تولیدی درباره واگردگی در زبان انگلیسی نشان داده شده است که میزان واگردگی این هم‌خوان سایشی بسته به جایگاهش در ساخت سلسله‌مراتبی نوای گفتار متفاوت است به این صورت که واگردگی در پایان واحدهای نوایی کوچک‌تر مانند هجا و

کلمه واجی، کم‌تر از واحدهای نوایی بزرگ‌تر مانند گروه زیروبمی و گروه آهنگ است. وی این فرضیه را مطرح کرد که فعالیت الگوهای تولیدی در پایان واحدهای نوایی بزرگ‌تر بیش‌تر از واحدهای کوچک‌تر کاهش می‌یابد و در مقابل، فعالیت این الگوها در آغاز واحدهای بزرگ‌تر در مقایسه با واحدهای نوایی کوچک‌تر افزایش می‌یابد. در (Keating, et al., 1998) نیز طی یک آزمایش تولیدی نشان داده شده که هم‌خوان های /t/ و /n/ در جایگاه آغاز هجا در سطح واحدهای نوایی مختلف در زبان‌هایی همچون انگلیسی، فرانسه، کره‌ای و تایوانی با الگوهای تولیدی متفاوت تولید می‌شود. همچنین در آزمایش تولیدی بر روی /t, t^h, t*, n/ در زبان کره‌ای (Cho and Keating, 2001) نشان داده شده که این هم‌خوان‌ها در سطوح بالاتر سلسله‌مراتب نوایی تولید قوی‌تری دارند چون هم سطح تماس زبان-کامی در این سطوح بیشتر است و هم دیرش زمانی ناحیه بست طولانی‌تر است. بررسی تغییرات واج‌گونه‌ای پیوسته حساس به بافت نوایی در زبان کره‌ای (Yoon, 2008) نشان داد که بخش آغازی واکه /a/ بعد از سایشی دمیده /s^h/ در مقایسه با سایشی سخت /s*/ نفسی‌تر است و میزان نفسی شدن واک بسته به جایگاه هم‌خوان سایشی در سطوح مختلف ساخت نوایی گفتار مانند کلمه واجی، گروه زیروبمی و گروه آهنگ متفاوت است. این تغییرات پیوسته زنجیره‌ای در زبان فارسی نیز قابل مشاهده است. به‌طور مثال تکیه واژگانی در زبان فارسی بر مقدار زمان شروع واک یا دیرش قطعه رهش انسدادی‌های بی‌واک اثر می‌گذارد (صادقی، ۱۳۸۶؛ نوربخش، ۱۳۸۸). دیرش قطعه رهش انسدادی بی‌واک [t^h] در آغاز هجای تکیه‌بر کلمه "کتاب" در مقایسه با آغاز هجای فاقد تکیه در کلمه "تابان" طولانی‌تر است.

بر این اساس می‌توان گفت که ماهیت بسیاری از تغییرات و تقابل‌های آوایی در ساخت زنجیره‌ای گفتار تنها در قالب الگوی نوایی گفتار معلوم می‌گردد و روشن است که برنامه‌های بازسازی گفتار برای بهبود کیفیت گفتار بازسازی‌شده باید این تغییرات آوایی حساس به بافت نوایی را در برنامه لحاظ کنند. در اکثر برنامه‌های بازسازی گفتار، تمامی تغییرات زنجیره‌ای به غیر از تغییرات هم‌تولیدی در قالب قواعد بازنویسی^۵ (برنامه بازسازی می‌تاک^۶) یا قواعد

¹ Phonological word

² Phonological phrase

³ Intonational phrase

⁴ Accentual phrase

⁵ Rewrite rules

⁶ MItalk

چندین گروه آهنگ را بازسازی کرد. وی سپس به‌ازای هر یک از این گروه‌ها گونه دیگری را نیز ساخت که در آن دایفون‌ها در جایگاه نامناسب نوایی قرار داده شدند. در پایان در یک آزمایش شنیداری از آزمودنی‌ها خواست کیفیت گفتار بازسازی‌شده را ارزیابی کنند. نتایج نشان داد که آزمودنی‌ها گونه‌هایی را که در آن‌ها دایفون‌های وابسته به بافت نوایی به کار رفته بود طبیعی می‌دانند.

۲- طراحی آزمایش

در این بخش با انجام یک آزمایش شنیداری، کیفیت سه گونه گفتار بازسازی‌شده را با مورد مقایسه قرار می‌دهیم. گونه گفتاری نخست، مبتنی بر دادگان واحدهای حساس به بافت نوایی است که تمامی تغییرات طبیعی پیوسته آوایی در سطح واحد بازسازی را در هم به‌لحاظ ویژگی‌های زنجیره‌ای و هم زبرزنجیره‌ای شامل می‌شود و بنابراین زنجیره‌ای که از طریق هم‌گذاری واحدهای حساس به بافت نوایی بازسازی می‌شود، در درون واحدهای بازسازی به کم‌ترین پردازش آوایی نیاز دارند. گونه گفتاری دوم بر پایه دادگانی ساخته می‌شود که در آن به‌ازای هر واحد بازسازی تنها یک برابر آوایی مستقل از بافت نوایی وجود دارد. این برابر آوایی در تمامی جایگاه‌های نوایی آن واحد در زنجیره گفتار قرار می‌گیرد و پس از هم‌گذاری واحدها، برابر آوایی مورد نظر در حوزه فرکانس و زمان تنظیم می‌شود تا سایر برابرهای آوایی آن واحد به تناسب جایگاه نوایی آن بازسازی شوند، ولی هیچ‌گونه پردازش زنجیره‌ای برای اعمال تغییرات زنجیره‌ای پیوسته در گفتار طبیعی بر روی آن صورت نمی‌گیرد. گونه گفتاری سوم نیز هم‌چون گونه دوم، بر پایه واحدهای مستقل از بافت نوایی ساخته می‌شود با این تفاوت که زنجیره گفتاری نوع سوم تنها از صورت هم‌گذاری‌شده واحدها به دست می‌آید و هیچ‌گونه پردازش یا تنظیمات آوایی بر روی واحدها انجام نمی‌شود. سوالات تحقیق عبارتند از: ۱- اعمال (گونه‌های اول و دوم) یا عدم اعمال (گونه سوم) تغییرات نوایی در بازسازی گفتار تا چه حد بر کیفیت گفتار بازسازی‌شده اثر می‌گذارد. ۲- اعمال (گونه اول) تغییرات زنجیره‌ای پیوسته در مقابل عدم اعمال این تغییرات تا چه اندازه بر کیفیت گفتار بازسازی‌شده اثر می‌گذارد.

۲-۱- دادگان آزمایش

در این آزمایش هجا به‌عنوان واحد بازسازی انتخاب شد. هجا در زبان فارسی دارای سه ساخت CV، CVC و CVCC است

پساواژگانی^۱ (برنامه بازسازی فستیوال) به سبک قواعد واج‌گونه‌ای اسپیری در برنامه لحاظ می‌شود (AlanBlack, et al., 1999). به‌طور مثال، بخش واجی برنامه می‌تاک شامل شش قاعده بازنویسی زنجیره‌ای است که در مرز کلمه و گروه عمل می‌کنند. یکی از این قواعد، قاعده زنجیری^۲ است که بر اساس آن /t/ و /d/ بعد از یک رسای غیرخیشومی و قبل از واکه با تکیه غیراصلی به‌صورت زنجیری تولید می‌شوند مثل sat on a chair (Allen, et al., 1987). بعضی از همین قواعد در برنامه بازسازی فستیوال در بخش پساواژگانی برنامه اعمال می‌شوند (Alan and Lenzo, 2003). اما همان‌طور که طراحان این برنامه‌ها نیز پذیرفته‌اند، این بخش برنامه نیاز به تحقیقات بیش‌تر دارد. مسئله این است که تغییرات واج‌گونه‌ای حساس به بافت نوایی را نمی‌توان به‌طور کامل و منظم به این روش در برنامه اعمال کرد. به‌عنوان مثال اگرچه تناوب‌های مقوله‌ای مانند تناوب انسدادی/ زنجیری t ≈ r در sat on the chair و at all و هم‌چنین دمیده/ نادمیده k ≈ k^h در the car و discover را می‌توان با استفاده از قواعد بازنویسی یا پساواژگانی در برنامه لحاظ کرد، ولی این قواعد نمی‌توانند تغییرات پیوسته دمیدگی را در بافت‌های نوایی متفاوت مثل this car، this career و... اعمال کنند. برای این که این تغییرات را در برنامه اعمال کنیم، بهترین راه این است که واحدهای بازسازی را از سطح بافت‌های نوایی متفاوت انتخاب کنیم. به‌کارگیری واحدهای حساس به بافت نوایی، تغییرات نوایی تغییرات زنجیره‌ای پیوسته گفتار به شکل طبیعی در زنجیره گفتار بازسازی‌شده اعمال شده و کیفیت گفتار بهبود می‌یابد (Yoon, 2004 and 2008). در (Yoon, 2008) برای طراحی و ساخت برنامه بازسازی گفتار کره‌ای به شیوه‌گذاری، به‌طور آزمایشی و در مقیاس محدود از دایفون‌های وابسته به بافت نوایی استفاده شده است. برای این منظور وی ابتدا برابرهای آوایی هر دایفون از مجموع دایفون‌های مورد آزمایش (۳۶٪ کل دایفون‌های ممکن زبان کره‌ای) را از سطح چهار جایگاه نوایی از نسخه گفتاری پیکره متنی زبان کره‌ای انتخاب و در یک دادگان جداگانه ذخیره کرد. این جایگاه‌ها عبارت بودند از: سه جایگاه کناری در آغاز گروه آهنگ، گروه زیربومی و کلمه واجی و یک جایگاه غیرکناری در میان کلمه واجی. سپس با هم‌گذاری دایفون‌ها در جایگاه‌های نوایی مناسب

¹ Post-lexical rules

² Flapping rule

که تعداد همخوان‌ها ۲۳ و تعداد واکه‌ها ۶ عدد است (ثمره، ۱۳۷۸: ۱۰۸-۱۱۱). ساخت سلسله‌مراتبی گفتار فارسی شامل سه واحد نوایی است: گروه آهنگ^۱، گروه زیروبمی^۲ و کلمه واجی (سادات/تهرانی، ۲۰۰۷). گروه آهنگ بزرگ‌ترین واحد نوایی در سلسله‌مراتبی گفتار فارسی است. هر گروه آهنگ، متناظر با یک جمله ساده است. گروه زیروبمی واحد نوایی کوچک‌تر از گروه آهنگ است که متناظر با یک گروه نحوی مانند گروه اسمی، فعلی یا حرف اضافه است که در آن، هجای پایانی تکیه اصلی واقع می‌شود. در صورت وجود واژه‌بست‌ها هجای پیش از واژه‌بست دارای تکیه اصلی است. کلمه واجی نیز واحد نوایی کوچک‌تر از گروه زیروبمی است که متناظر با یک واژه قاموسی به همراه واژه‌بست‌های آن است. یک هجا مانند /ba/ در زبان فارسی می‌تواند در آغاز (لبه سمت راست) یا پایان (لبه سمت چپ) این سه واحد نوایی متفاوت قرار بگیرد: آغاز یا پایان یک گروه آهنگ (IP)؛ آغاز یا پایان یک گروه زیروبمی (AP) و آغاز یا پایان یک کلمه واجی (PW). به‌طور مثال، /ba/ در "برنده شدم" در جایگاه آغاز IP؛ در "ایران برنده شد" در جایگاه آغاز AP و در "برای برنده شدن تلاشی نکرد" در جایگاه آغاز PW است. برای تشخیص جایگاه‌های نوایی از نشانه‌های مرزی < >، []، { } به ترتیب برای گروه آهنگ، گروه زیروبمی و کلمه واجی استفاده می‌شود. بر این اساس برابری آوایی این هجا در آغاز جایگاه‌های نوایی IP، AP و PW به ترتیب به صورت <ba, ba, ba> و {ba, ba} و در پایان همین جایگاه‌ها به صورت <ba, ba, ba> است. این برابری آوایی وابسته به بافت نوایی را هجاهای نوایی می‌نامیم. فرض ما بر آن است که یک واحد آوایی مانند b در سطح این جایگاه‌های نوایی به صورت متفاوت تظاهر می‌یابد. یک جمله کوتاه مانند "یک شبکه خبری تأسیس شد" که شامل یک IP، دو AP، پنج PW و ۱۱ هجا است، دارای ساخت نوایی زیر است:

<[yek]{a.ba.ke.ye}{x.a.ba.ri}][ta?sis]{od}>
<[CVC]{CV.CV.CV.CV}{CV.CV.CV}{CVC.CVC}{CVC}>

انسدادی‌های بی واک و واک‌دار زبان فارسی به عنوان همخوان‌های هدف انتخاب شدند. به‌ازای هر یک از انسدادی‌های بی واک /p/، /t/ و /k/ یک کلمه با ساخت هجایی CV(C).CVC(C) انتخاب شد، به‌طوری‌که همخوان‌های مورد نظر در جایگاه آغاز هجای اول قرار داشتند. این کلمات عبارتند از پرداخت /par.daxt/، ترمیم

/tar.mim/ و /kar.gar/. این کلمات را کلمات نوع اول می‌نامیم. همچنین به‌ازای انسدادی‌های واک‌دار /d/، /b/ و /g/ یک کلمه با ساخت هجایی مشابه انتخاب شد به‌طوری‌که این همخوان‌ها در جایگاه آغاز هجای دوم قرار داشتند: نگار /ne.gar/، شدید /ʃa.did/ و دوربرد /durbord/. این کلمات را کلمات نوع دوم می‌نامیم. بر این اساس انسدادی‌های بی‌واک در درون هجاهای فاقد تکیه واژگانی و انسدادی‌های واک‌دار در درون هجاهای دارای تکیه واژگانی قرار داشتند. به‌ازای هر کلمه نوع اول، سه جمله حامل کوتاه ساخته شد؛ به‌طوری‌که کلمه هدف هر بار در یکی از جایگاه‌های نوایی آغاز IP، آغاز AP و آغاز PW گرفت. همچنین به‌ازای هر کلمه هدف نوع دوم، سه جمله حامل دیگر ساخته شد؛ به‌طوری‌که کلمه هدف هر بار در یکی از جایگاه‌های نوایی پایان IP، پایان AP و پایان PW گرفت. به این ترتیب به‌ازای هر همخوان انسدادی، سه هجای نوایی ساخته شد؛ یعنی در مجموع هیجده هجای نوایی که از این تعداد ۹ هجا مربوط به آغاز یا لبه سمت چپ واحدهای نوایی و ۹ هجا دیگر مربوط به پایان یا لبه سمت راست واحدها هستند. لازم به ذکر است که برای کنترل اثر متغیر بافت آوایی بر هجاهای هدف، کلمات با ساخت هجایی CVC.CVC(C) طوری انتخاب شدند که همخوان‌های واقع در مرز هجا واک‌دار باشند. مثال‌های ۱-۳ کلمات هدف نوع اول را در جایگاه آغاز IP (الف)، AP (ب) و PW (ج) و مثال‌های ۴-۶ کلمات هدف نوع دوم را در جایگاه پایان همان واحدهای نوایی نشان می‌دهد.

۱- "پرداخت" / par.daxt /

الف) پرداخت کردم. <[par.daxt]{kar.dam}>

ب) علی پول را به من پرداخت کرد.

<[par.daxt]{card}][be]{man}][pul]{ro}][ali]>

ج) از پرداخت کردن قسط خسته شدم.

<[par.daxt]{card}][be]{man}][pul]{ro}][ali]>

۲- "ترمیم" / tar.mim /

الف) ترمیم کردم. <[tar.mim]{kar.dam}>

ب) بافت آسیب‌دیده را ترمیم کرد.

<[tar.mim]{card}][a.sib.di.de]{ro}][baf.te]>

ج) بافت پس از ترمیم کردن بهبود می‌یابد.

<[tar.mim]{kar.dan}][beh.bud]{mi.ya.bad}][pas.az]>

۳- "کارگر" / kar.gar /

الف) کارگر است. <[kar.gar]{ast}>

ب) علی کارگر است. <[kar.gar]{ast}][ali]>

¹ Intonational phrase

² Accentual phrase

(ج) از کارگر گرفتن منصرف شد.

<[{{az}}{kar.gar}{ge.ref.tan}] [{{mon.sa.ref}}{od}]]>

۴- "نگار" /ne.gar/

(الف) ناراحتی از نگار. <[{{na.ra.ha.te}}]{{az}}{ne.gar}]]>

(ب) پیش نگار برد. <[{{pi.je}}{ne.gar}]]{{bord}]]>

(ج) به نگار گفتن مشکلی را حل نمی‌کند.

<[{{be}}{ne.gar}{gof.tan}]]{{mo}}{ce.li}}{ro}]]{{hal}}[{{ne.mi.ko.ne}]]>

۵- "شدید" /ja.did/

(الف) (چرا از حال رفت؟) از ترس شدید.

<[{{az}}{tar.se}][{{a.did}]]>

(ب) از ترس شدید سخته کرد.

<[{{az}}{tar.se}][{{a.did}]]{{sec.te}}{card}]]>

(ج) شوک شدید دادن بی فایده است.

<[{{fo.ce}}[{{a.did}}{da.dan}]]{{bi.fa.ye.de}}{ast}]]>

۶- "دوربرد" /durbord/

(الف) (با چی شلیک کرد؟) با سلاح دوربرد.

<[{{ba}}{se.la.he}][{{dur.bord}]]>

(ب) با سلاح دوربرد شلیک کرد.

<[{{ba}}{se.la.he}][{{dur.bord}]]{{el.lic}}{card}]]>

(ج) دوربرد بودن سلاح کمکی نمی‌کند.

<[{{dur.bord}}[{{bu.da.ne}}{se.lah}]]{{ko.ma.ci}]]{{ne.mi.ko.ne}]]>

۲-۲- روش آزمایش

هیجده جمله ساخته شده (۳ واحد آوایی X ۳ جایگاه نوایی X ۲ نوع کلمه) توسط یک گویشور مرد تولید شدند. ضبط جملات در یک اتاق آرام در دانشگاه امام خمینی انجام شد. داده‌ها با استفاده از میکروفون شور با پاسخ بسامدی مناسب بر روی کارت صوتی یک رایانه شخصی ضبط شدند. پس از ضبط جملات مراحل زیر انجام شد:

۲-۲-۱- تقطیع هجا

تمامی هجاهای کلمات هدف تقطیع و استخراج شدند. تعیین دقیق مرز هجاها در فضای آوایی به علت هم‌پوشی و هم‌تولیدی واج‌ها دشوار است. نگارنده برای تعیین مرز هجا در زنجیره‌های آوایی V.C^۱ و C.C^۱ که تنها مرزهای هجایی ممکن فارسی هستند، از معیارهای ارائه شده در (Lewis and Tatham, 2001) پیروی کرده است. بر این اساس، در زنجیره آوایی V. stop مرز هجا جایی است که

^۱ ساخت هجا در زبان فارسی به صورت CV، CVC و یا CVCC است بنابراین مرز هجا در زنجیره گفتار فارسی به دو صورت است: یکی V.C و دیگری C.C

دامنه ارتعاش تارآواها برای واکه در هجای اول به‌میزان قابل توجه‌ای کاهش می‌یابد. این ناحیه ناظر بر آغاز محدوده بست هم‌خوان انسدادی است. برای هم‌خوان‌های انسدادی بی‌واک تشخیص پایان واکه آسان است، چون به‌دنبال واکه یک دوره بی‌واکی کامل همراه با سکوت و نوفه ظاهر می‌شود ولی برای انسدادی‌های واک‌دار این تشخیص سخت‌تر است؛ چون ارتعاش تارآواها برای واکه در هجای اول به‌مدت ۲۰ تا ۳۰ میلی‌ثانیه پس از شروع هجای دوم ادامه می‌یابد. الگوی تقطیع هجا برای V.fricative مشابه V. stop است با این تفاوت که برای سایش‌های واک‌دار نوفه و واک در پایان واکه به‌طور هم‌زمان تظاهر می‌یابد. در زنجیره آوایی V. liquid چون تظاهر هم‌خوان‌های روان بر روی طیف‌نگاشت به‌صورت امواج پیچ در پیچ و مدور است، شروع این ناحیه به‌عنوان نقطه شروع هجای دوم در نظر گرفته می‌شود. تعیین لحظه شروع این ناحیه بر روی طیف‌نگاشت آسان نیست. به‌طور معمول کمینه حداقل میزان دامنه این ناحیه، محل شروع هجای دوم محسوب می‌شود. برای زنجیره stop. fricative/affricate مرز هجا، پایان قطعه رهش هم‌خوان انسدادی و آغاز قطعه سایش هم‌خوان سایشی یا انسدادی سایشی است. در زنجیره liquid. stop مرز هجا ناحیه‌ای است که در آن ارتعاش تارآواها بلافاصله پس رهش هم‌خوان انسدادی شروع شده و یا دامنه آن به‌طور قابل توجه‌ای افزایش یابد. برای زنجیره fricative. fricative/affricate مرز هجا وسط قطعه سایش این هم‌خوان‌هاست. یکی دیگر از نشانه‌های این مرز هجایی نحوه توزیع انرژی در نواحی مؤثر فرکانسی است. توزیع انرژی در فرکانس‌های مختلف با توجه به محل تولید این هم‌خوان‌ها متفاوت است. به‌عنوان مثال برای [s] توزیع انرژی روی فرکانس‌های بالای ۴۰۰۰ هرتز است درحالی‌که برای [f] روی فرکانس‌های پایین است. بر این اساس اگر [s] و [f] در مرز هجا در مجاورت ظاهر شوند، مرز آن‌ها را می‌توان از طریق توزیع نابرابر انرژی روی فرکانس‌ها بر روی طیف‌نگاشت تشخیص داد. در زنجیره آوایی fricative. liquid محل شروع هجای دوم آغاز ارتعاش تارآواها یا افزایش دامنه آن پس از پایان قطعه سایش هم‌خوان سایشی است. برای liquid.stop/fricative/affricate اگر هم‌خوان‌های گرفته بی‌واک باشند، مرز هجا هم‌زمان با لحظه پایان ارتعاش تارآواها برای هم‌خوان روان است. برای هم‌خوان‌های گرفته واک‌دار ارتعاش در نواحی مرزی ادامه دارد؛ بنابراین لحظه‌ای که دامنه ارتعاش

به‌طور ناگهانی کاهش می‌یابد به‌عنوان مرز هجا در نظر گرفته می‌شود. هم‌چنین با توجه به تأثیر الگوی فرکانسی هم‌خوان‌های خیشومی بر بافت زنجیره‌ای مجاور، مرزهای هجایی شامل هم‌خوان‌های خیشومی ازجمله liquid.nasal، fricative.nasal، stop.nasal و V. nasal برای ساخت کلمات هدف انتخاب نشدند. هم‌چنین چون دیرش قطعه رهش انسدادی‌های بی‌واک بعد از سایشی‌های بی‌واک /s/ و /ʃ/ به‌طور قابل ملاحظه‌ای کوتاه‌تر می‌شود، هجای دوم در مرز هجایی fricative. stop برابر آوایی مناسبی برای بازسازی دیگر موارد وقوع آن هجا در بافت‌های آوایی دیگر نیست. بنابراین این مرز هجایی نیز در انتخاب کلمات هدف لحاظ نشد. پس از تقطیع و استخراج هجاها، هجاهای هر کلمه به تفکیک جایگاه نوایی در پرونده‌ای جداگانه ذخیره شدند.

۲-۲-۲- بازسازی گونه‌های گفتاری

در مرحله بازسازی، سه گونه گفتاری متفاوت از کلماتی یکسان از طریق هم‌گذاری هجاهای استخراج‌شده ساخته شدند. برای بازسازی کلمات، هجاهای هدف کلمات نوع اول (هجاهای اول) با هجاهای هدف کلمات نوع دوم (هجاهای دوم) هم‌گذاری شدند. به این ترتیب سه کلمه با معنی ساخته شد: "پرگار" /pargar/ از هم‌گذاری هجای /par/ در "پرداخت" و /gar/ در "کارگر"؛ "تردید" /tardid/، از هم‌گذاری /tar/ از "ترمیم" و /did/ از "شدید" و "کاربرد" /karbord/ از هم‌گذاری /kar/ از "کارگر" و /bord/ از "دوربرد" /durbord/، بازسازی این کلمات به سه روش متفاوت انجام شد. در روش اول، کلمات هدف از طریق هم‌گذاری هجاهای نوایی ساخته شدند. بر این اساس، برابری نوایی هجاهای هدف نوع اول با برابری نوایی متناظرشان از هجاهای نوایی نوع دوم هم‌گذاری شدند. به‌طور مثال، برای بازسازی کلمه "پرگار" /pargar/ یک بار

هجای نوایی par IP < (از کلمه "پرداخت" مثال ۱ الف) با هجای نوایی gar > IP (از کلمه "نگار" ۴ الف)؛ بار دیگر هجای نوایی par AP با هجای نوایی gar AP و در مرحله پایانی هجای نوایی par PW با هجای نوایی pw par هم‌گذاری شدند. همین مراحل برای کلمات "تردید" و "کاربرد" هم تکرار شد. به این ترتیب به ازای هر یک از این کلمات، سه گونه حساس به بافت نوایی با در نظر گرفتن جایگاه نوایی هجاهای هدف ساخته شدند. سپس به‌ازای هر یک از کلمات "پرگار"، "تردید" و "کاربرد" سه جمله حامل ساخته و توسط همان گویشور تولید شد. این کلمات در جملات اول در جایگاه نوایی IP؛ در جملات دوم در جایگاه نوایی AP و در جملات سوم در جایگاه PW قرار داشتند. سرانجام، گونه‌های نوایی بازسازی شده مربوط به هر کلمه در درون این جملات به جای همان کلمات با الگوی نوایی مشابه قرار داده شدند. جملات ۷-۹ کلمات "پرگار"، "تردید" و "کاربرد" را در جملات حامل مربوطه در جایگاه آغاز و پایان سطوح نوایی IP (الف)، AP (ب) و PW (ج) نشان می‌دهد:

۷- "پرگار" /pargar/

الف) (چی گفت؟) پرگار. <[par.gar]>

ب) علی پرگار نمی‌خواهد.

<[?a.li] [par.gar][ne.mi.χa.had]>

ج) از پرگار خریدن خسته شدم.

<[?az]{par.gar}{χa.ri.dan}[χas.te]{o.dam}>

۸- "تردید" /tar.did/

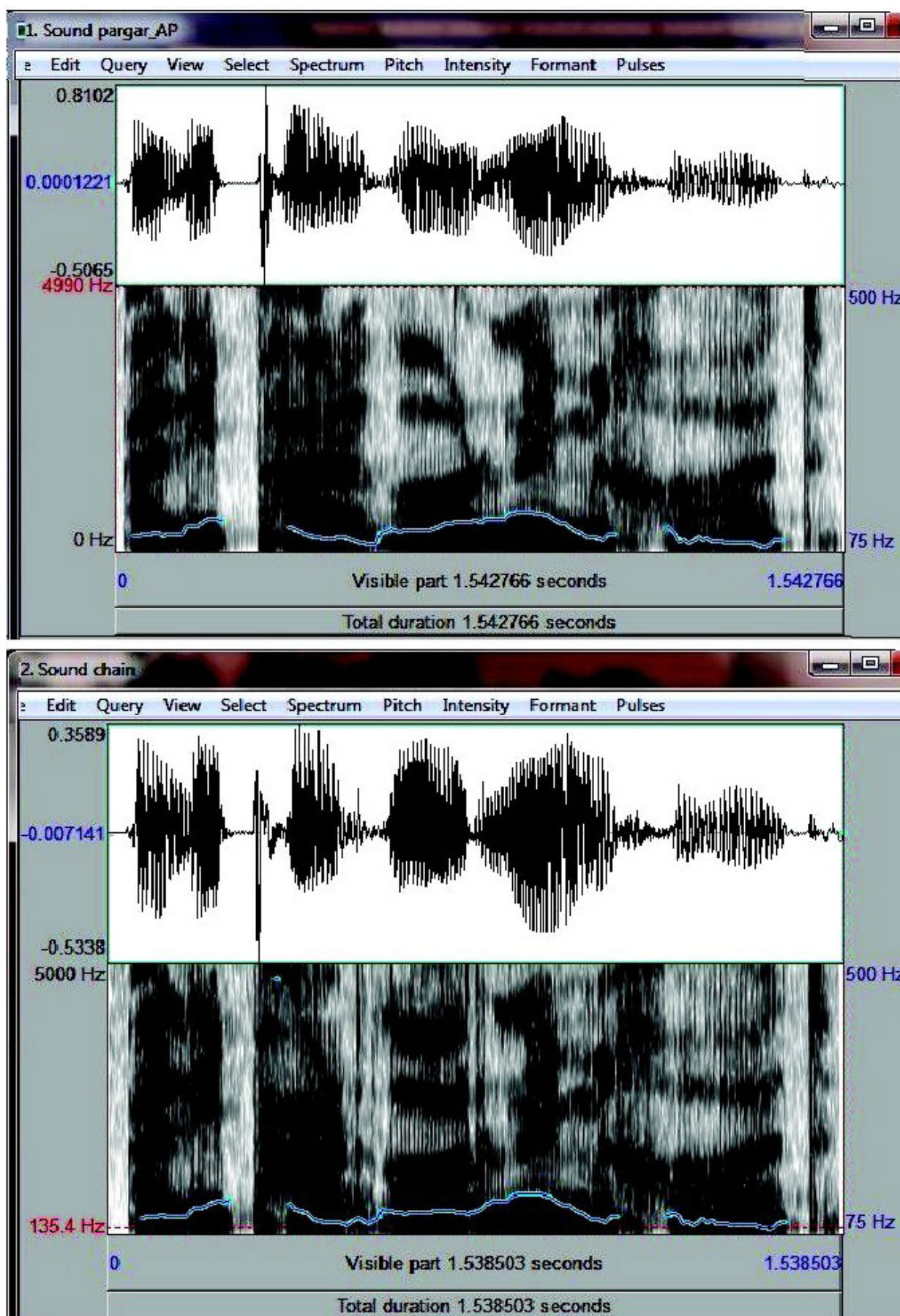
الف) (چی گفت؟) تردید <[tar.did]>

ب) علی تردید نخواهد کرد.

<[?a.li] [tar.did][na.χa.had]{kard}>

ج) با تردید نگرستن به مسائل.

<[ba] [tar.did][ne.ga.ris.tan]{be}{ma.sa.ʔel}>



(شکل ۱): طیف نگاشت پاره گفتار طبیعی (بالا) و هم گذاری شده (پایین) "علی پرگار نمی خواهد"

الف) (چی گفت؟) کاربرد. <{{kar.bord}}>

ب) این وسیله کاربرد ندارد.

<{{in}}{va.si.le}}{kar.bord}}{na.da.rad}}>

ج) در صورت کاربرد نداشتن.

<{{dar}}{su.ra.te}}{kar.bord}}{na.da.f.tan}}>

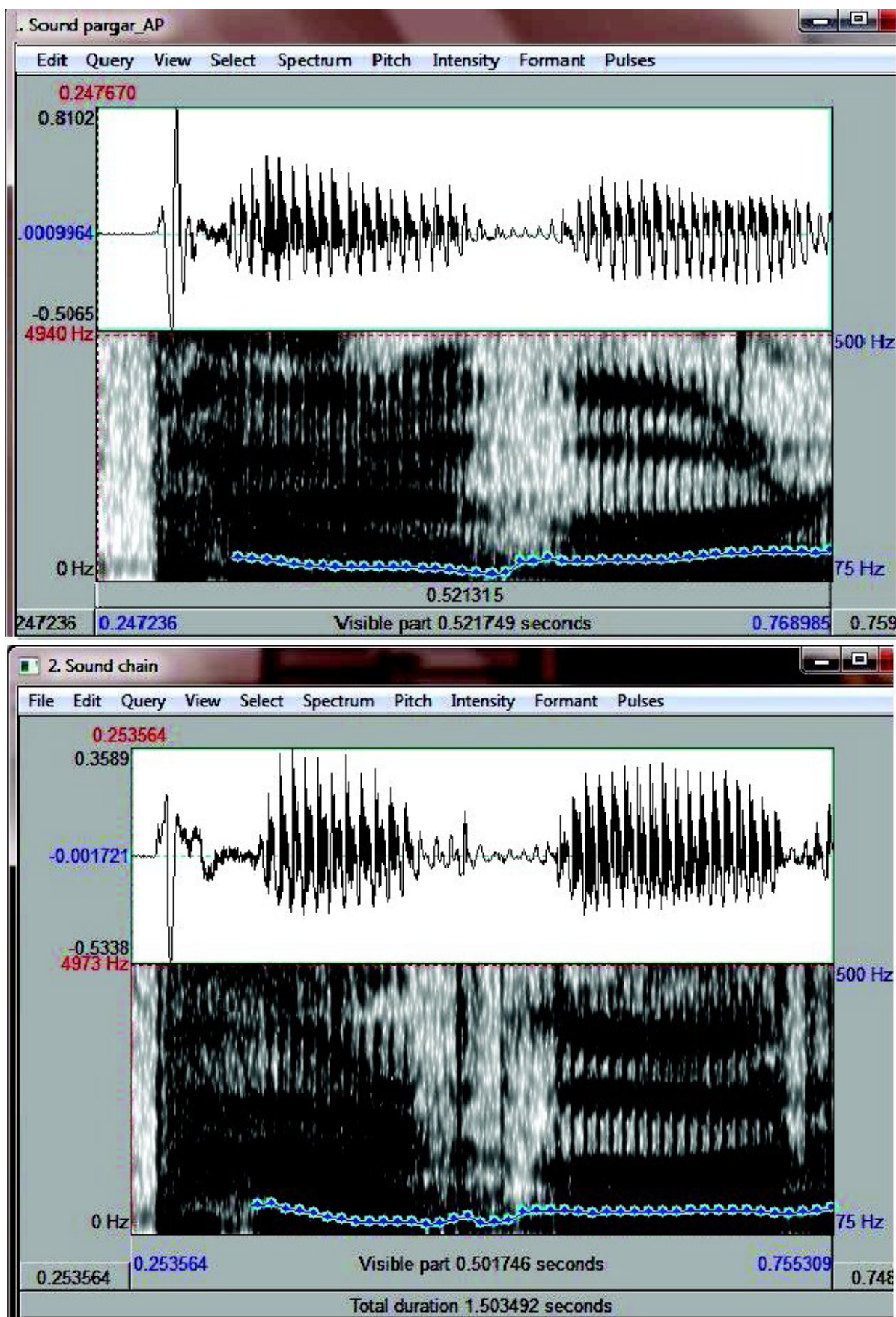
فرض بر آن است کلماتی که به این روش بازسازی می‌شوند ویژگی‌های واج‌گونه‌ای و نوایی گفتار طبیعی را حفظ می‌کنند. روش دوم شامل دو مرحله است. در مرحله اول، با هم‌گذاری برابر نوایی آغاز کلمه واجی به‌عنوان واحد بازسازی هجای هدف نوع اول و پایان همین واحد نوایی به‌عنوان واحد بازسازی هجای هدف نوع دوم، یک گونه نوایی کلمه واجی (PW) از کلمات "پرگار"، "تردید" و "کاربرد" ساخته شد. این گونه نوایی سپس در جایگاه‌های نوایی IP و AP در جملات حامل مربوطه (مثال‌های الف و ب در جملات ۷-۹) به‌جای همان کلمات قرار داده شد. همچنین با هم‌گذاری برابرهای نوایی آغاز و پایان گروه زیروبمی یک گونه نوایی گروه زیروبمی (AP) از کلمات مورد نظر ساخته شد. این گونه نوایی سپس در جایگاه نوایی PW در جملات حامل مربوطه (مثال‌های ج در جملات ۷-۹) به‌جای همان کلمات قرار داده شد. کلماتی که به این روش بازسازی شدند، با الگوی نوایی جملات مربوطه ناسازگار بودند. بر این اساس برابرهای آوایی این کلمات و هجاهای درون آن‌ها گونه‌های غیرنوایی محسوب می‌شوند. در مرحله دوم، هجاهای غیرنوایی کلمات هم‌گذاری شده به روش PSOLA مورد پردازش قرار گرفتند. در این روش فرکانس پایه و دیرش هجاهای خاص در زنجیره گفتار هم‌گذاری شده متناسب با مقادیر این پارامترها در گفتار طبیعی تنظیم می‌شوند و در نتیجه کیفیت گفتار بازسازی شده بهبود می‌یابد. بر این اساس مقادیر فرکانس پایه و دیرش هجاهای اول و دوم در کلمات بازسازی شده، متناسب با مقادیر این پارامترها برای همین هجاهای در جایگاه‌های نوایی مورد نظر در گفتار طبیعی تنظیم شدند.

روش سوم مشابه روش دوم است با این تفاوت که زنجیره آوایی کلمات هدف پس از هم‌گذاری، پردازش نوایی نمی‌شود. در این روش نیز مانند روش دوم، برابر نوایی کلمه واجی برای بازسازی کلمات در جایگاه‌های نوایی IP و AP و

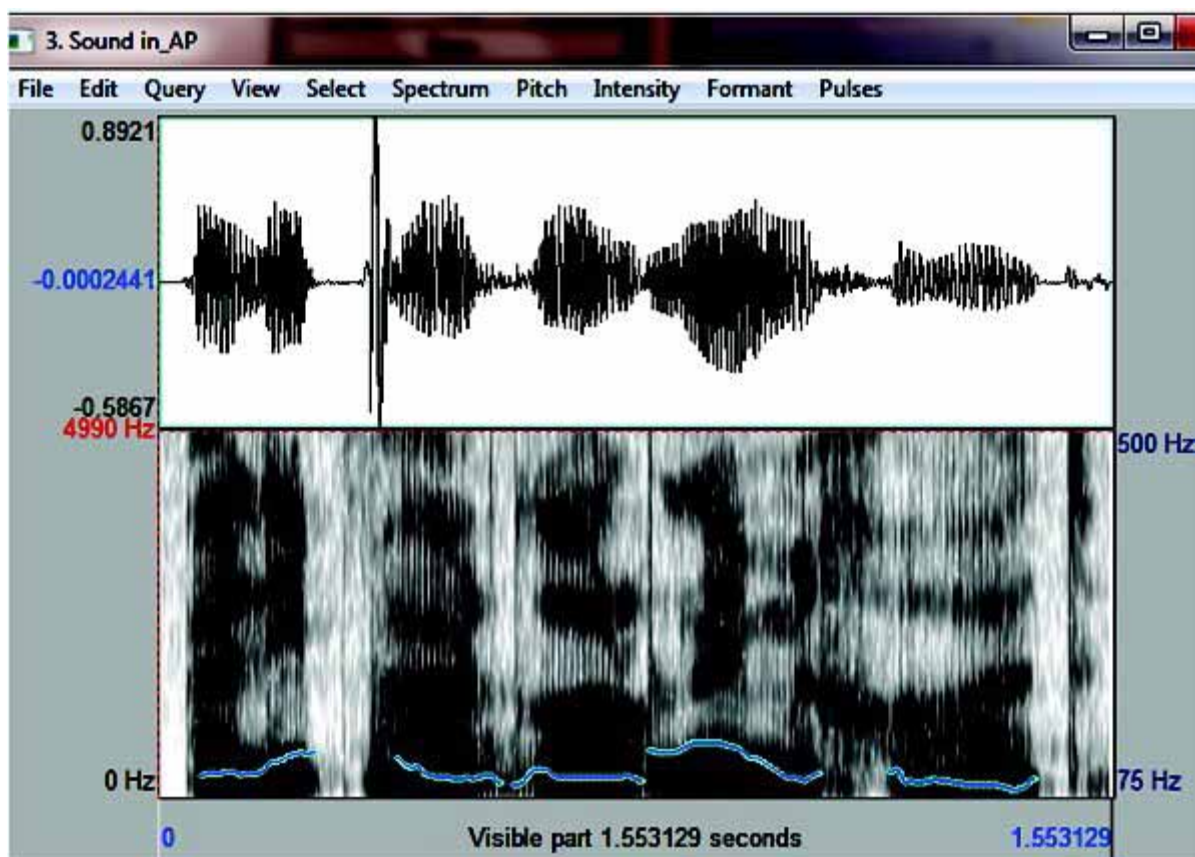
برابر نوایی AP برای بازسازی کلمات در جایگاه نوایی PW انتخاب شدند. بعد از هم‌گذاری هجاهای ساخت برابرهای نوایی مورد نظر، هیچ‌گونه پردازشی بر روی هجاهای هدف صورت نگرفت.

برای بازسازی و پردازش نوایی کلمات هدف از نرم افزار پرت استفاده شد. برای این منظور برای بازسازی گونه‌های گفتاری نوع اول، ابتدا علائم آوایی جملات ۷، ۸ و ۹ در سطح کلمه تقطیع و ذخیره‌سازی شدند. سپس گونه‌های نوایی IP، AP و PW کلمات "پرگار"، "تردید" و "کاربرد" که در قبل از طریق هم‌گذاری هجاهای هدف اول و دوم کلمات دیگر ساخته شده بودند، انتخاب و به جای همان کلمات با الگوی نوایی مشابه در جملات ۷، ۸ و ۹ در کنار دیگر کلمات هم‌گذاری شدند. پس از هم‌گذاری هیچ گونه پردازش نوایی یا زنجیره‌ای بر روی علائم آوایی صورت نگرفت.

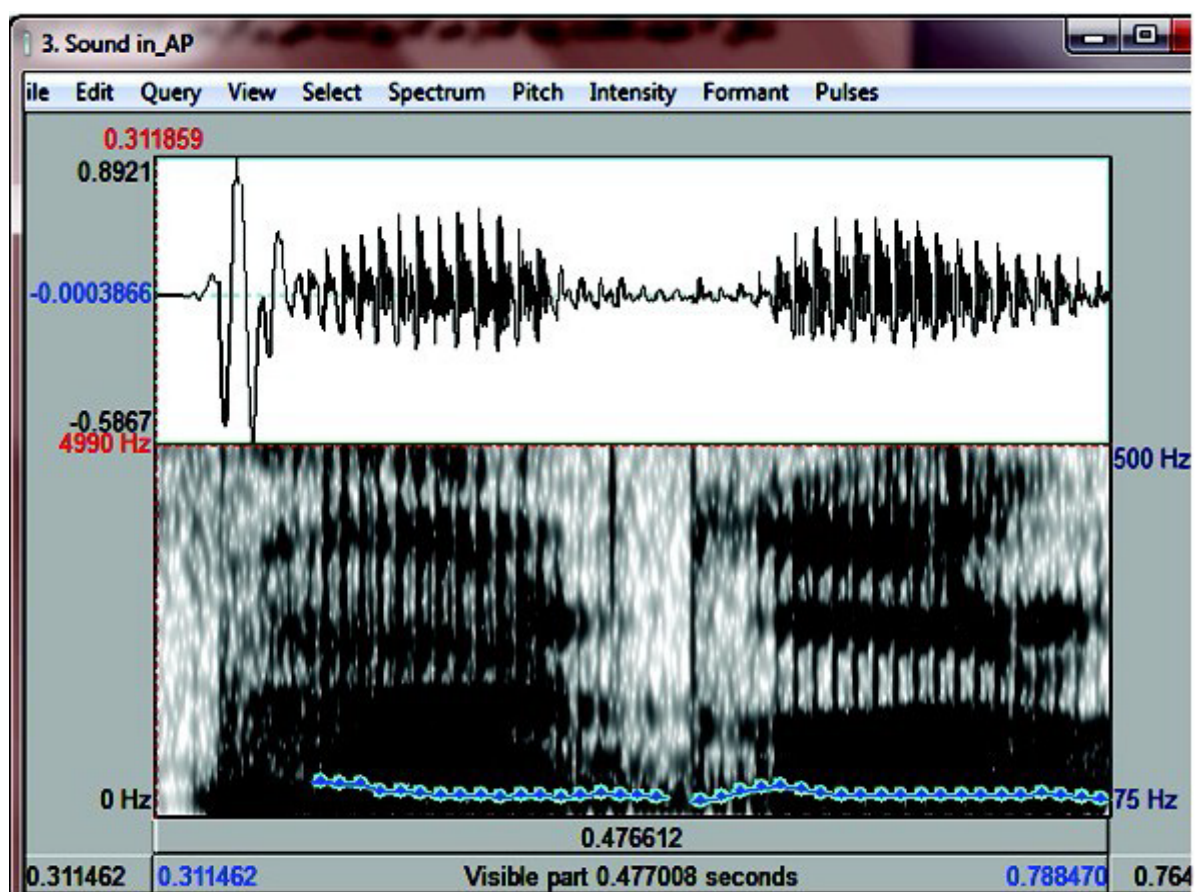
(شکل ۱) طیف‌نگاشت گفتار طبیعی (الف) و هم‌گذاری شده (ب) جمله "علی پرگار نمی‌خواهد" (مثال ۷ ب) و (شکل ۲) گونه طبیعی (الف) و هم‌گذاری شده (ب) کلمه "پرگار" را در همین جمله نشان می‌دهد. چنان‌که مشاهده می‌شود دیرش هجاهای و الگوی نوایی گونه‌های طبیعی و بازسازی شده کلمه "پرگار" بسیار به شبیه است. در هر دو گونه، سطح فرکانس پایه برای هجای دوم نسبت به هجای اول بالاتر است (f0 هجای اول و دوم به ترتیب ۱۱۰ و ۱۳۸ هرتز) و این کلمه به‌صورت یک گروه زیروبمی ظاهر شده است. به‌علاوه سطح فرکانس پایه در گفتار هم‌گذاری شده علاوه بر بخش پایدار در محدوده گذر هجاهای نیز مشابه گفتار طبیعی است. یعنی فرکانس پایه در گفتار هم‌گذاری شده، از هجای اول به هجای دوم کلمه "پرگار" و از هجای دوم این کلمه به هجای آغازین کلمه "نمی‌خواهد" به‌صورت نرم و پیوسته همانند گفتار طبیعی گذر کرده است. علت این مسئله این است که هجاهای نوایی در گفتار هم‌گذاری شده مانند هجاهای زیروبمی [par] و [gar] در کلمه "پرگار" ویژگی‌های نوایی گفتار طبیعی را علاوه بر محدوده پایدار در محدوده گذر هجاهای نیز در برمی‌گیرند.



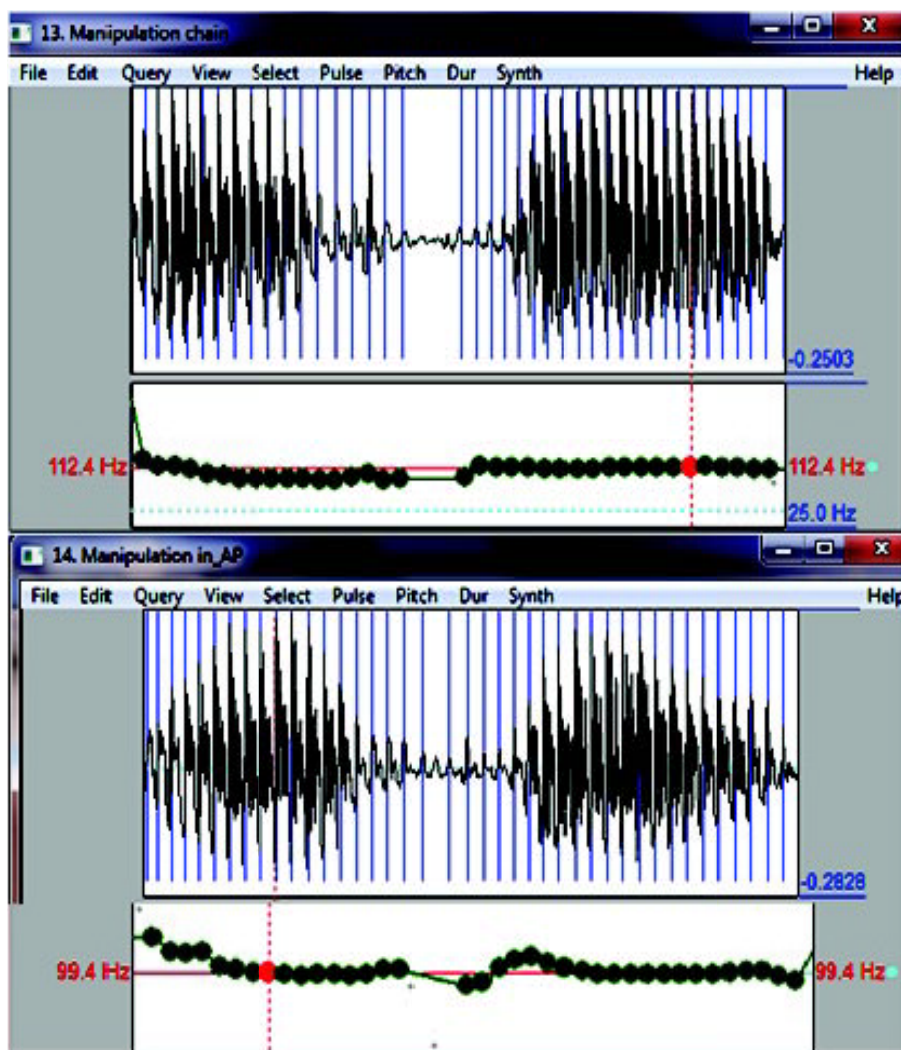
(شکل ۲): طیفنگاشت گونه طبیعی (بالا) و هم گذاری شده (پایین) کلمه "پرگار" بر اساس روش بازسازی اول



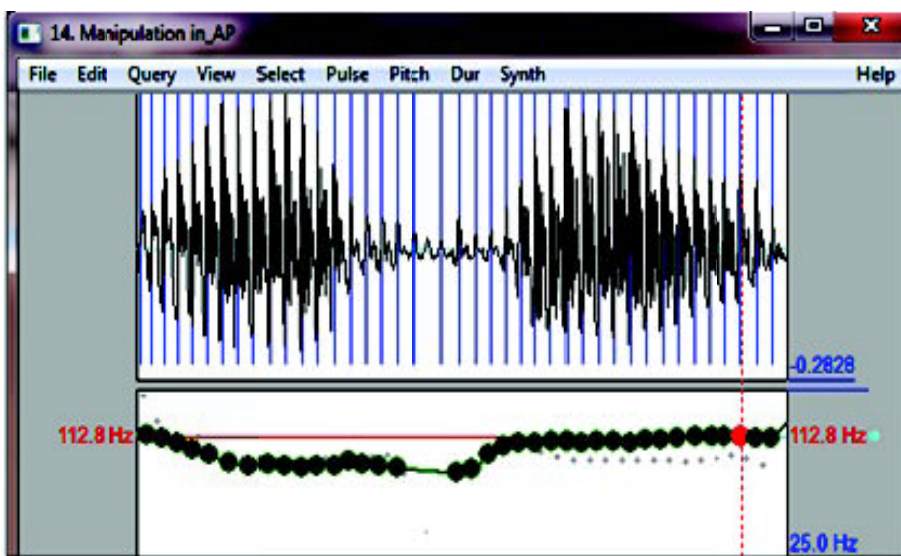
(شکل ۳): طیف‌نگاشت پاره‌گفتار هم‌گذاری شده "علی پرگار نمی‌خواهد" بر اساس روش بازسازی دوم



(شکل ۴): طیف‌نگاشت گونه هم‌گذاری شده کلمه "پرگار" بر اساس روش بازسازی دوم



(شکل ۵): تابع تغییرات فرکانس پالس های حنجره در واحد زمان برای گونه طبیعی (بالا) و هم گذاری شده (پایین) کلمه "پرگار" پیش از اعمال تغییرات زیرویمی



(شکل ۶): زیرویمی بازسازی شده گونه هم گذاری شده کلمه "پرگار"

نکته دیگر آن که دیرش محدوده بست و قطعه رهش
 انسدادی های [p] و [g] نیز در گفتار هم گذاری شده [p]
 بست: ۳۶ و رهش ۴۴ میلی ثانیه؛ [g] بست: ۲۷ و رهش: ۱۴
 میلی ثانیه) و گفتار طبیعی [p] بست: ۳۴ و رهش ۴۱

میلی ثانیه؛ [g] بست: ۲۶ و رهش: ۱۶ میلی ثانیه) به طور تقریبی به یک اندازه است که نشان می دهد ویژگی های زنجیره ای در سطح هجاهای نوایی در حد طبیعی است.

برای بازسازی گونه های گفتاری نوع دوم، ابتدا گونه PW کلمات "پرگار"، "تردید" و "کاربرد" در تمامی جایگاه های نوایی IP، AP و PW در جملات ۷-۹ به جای گونه طبیعی همان کلمات در کنار دیگر کلمات هم گذاری شد. این گونه در جایگاه نوایی PW جملات مورد نظر با الگوی نوایی جمله مطابقت داشت. جملات هم گذاری شده به طور دقیق معادل مثال های (ج) در گونه های بازسازی شده نوع اول بودند. بنابراین الگوی آهنگ این جملات بدون هرگونه پردازش نوایی، بسیار شبیه به گفتار طبیعی بود. اما حضور این گونه در جایگاه های نوایی نامربوط و نامناسب، یعنی جایگاه های IP، AP و PW در جملات الف و ب باعث شد الگوی آهنگ جملات در محدوده کلمات هدف از گفتار طبیعی فاصله گرفته و غیرطبیعی شود. در مرحله بعد، پاره گفتارهای هم گذاری شده الف و ب مورد پردازش قرار گرفتند؛ به این صورت که مقادیر فرکانس پایه و دیرش هجاهای کلمات هدف در این گونه ها متناسب با مقادیر این پارامترها برای همین هجاها در گفتار طبیعی تغییر داده شدند. برای این منظور ابتدا علامت آوایی هر پاره گفتار در نرم افزار پرت به باز نمود دوبعدی فرکانس پالس های حنجره در واحد زمان تبدیل شد (از طریق گزینه دست کاری). از این باز نمود سپس دو خروجی به دست آمد: یکی لایه زیروبمی، برای بازسازی مقادیر فرکانس پایه و دیگری لایه دیرش، برای بازسازی مقادیر دیرش هجاها. بازسازی و تنظیمات نوایی مورد نظر بر روی پاره گفتارهای مربوطه سپس در هر یک از این دو لایه به طور جداگانه انجام شد.

(شکل ۳) طیف نگاشت پاره گفتار هم گذاری شده جمله "علی پرگار نمی خواهد" (مثال ۷ ب) و (شکل ۴) طیف نگاشت گونه هم گذاری شده کلمه "پرگار" را در همین جمله نشان می دهد. مقایسه این طیف نگاشت ها با طیف نگاشت های گفتار طبیعی (شکل های ۱ و ۲ بالا) نشان می دهد دیرش هجاها در گفتار طبیعی به طور محسوسی بیش تر از گفتار هم گذاری شده است که علت آن طول بیش تر واژه ها (اختلاف ۲۰ میلی ثانیه ای برای واژه اول و ۴۵ میلی ثانیه ای برای واژه دوم) و دیرش بیش تر قطعه رهش انسدادی (اختلاف ۲۵ میلی ثانیه ای) [p] است. هم چنین الگوی نوایی گفتار هم گذاری شده و طبیعی با به طور کامل

متفاوت است. اول آن که میزان فرکانس پایه در سطح هر دو هجا برای کلمه "پرگار" در گفتار هم گذاری شده به طور تقریبی به یک اندازه است (حدود ۱۱۰ هرتز) که علت آن این است که این کلمه در پاره گفتار مورد نظر، گونه هم گذاری شده یک کلمه واجی است و تکیه زیروبمی ندارد؛ ولی در گفتار طبیعی سطح فرکانس پایه برای هجا دوم در مقایسه با هجا اول به طور قابل ملاحظه ای بیش تر است (اختلاف حدود ۳۰ هرتزی) که نشان می دهد این کلمه به صورت یک گروه زیروبمی مستقل تظاهر یافته است. دوم آن که در گفتار طبیعی فرکانس پایه از بخش پایانی کلمه "پرگار" به بخش آغازی کلمه "نمی خواهد" بدون ناپیوستگی و به صورت نرم، گذر کرده است که علت آن حضور نواخت مرزی h در حد فاصل میان دو گروه زیروبمی "پرگار" و "نمی خواهد" به ترتیب با نواخت های $L+H^*$ و H^* است. ولی در گفتار هم گذاری شده فرکانس پایه در بخش پایانی هجا دوم کلمه "پرگار" به یک باره قطع و در آغاز هجا [ne] کلمه "نمی خواهد" به طور ناگهانی افزایش یافته است؛ این باعث شده در این محدوده ناپیوستگی نوایی قابل توجهی ایجاد شود.

بازسازی زیروبمی علامت آوایی به روش PSOLA به صورت افزایش یا کاهش زمانی فاصله قاب ها یا پالس های حنجره است. بنابراین هر گونه تغییر در زیروبمی علامت آوایی باعث تغییر در دیرش آن نیز می شود. به همین علت زیروبمی قبل از دیرش هجاها بازسازی شد.

(شکل ۵) تابع تغییرات فرکانس پالس های حنجره را در واحد زمان برای گونه طبیعی (بالا) و هم گذاری شده (پایین) کلمه "پرگار" پیش از اعمال تغییرات زیروبمی نشان می دهد که چنان که مشاهده می شود الگوی تغییرات فرکانس پایه برای گفتار طبیعی و هم گذاری شده در سطح هر دو هجا با تفاوت دارد. (شکل ۶) باز نمود زیروبمی بازسازی شده گونه هم گذاری شده این کلمه را نشان می دهد. همان طور که مشاهده می شود پس از بازسازی زیروبمی، سطح فرکانس پایه در هر دو هجا به سطح مقادیر طبیعی نزدیک شده است. هم چنین برای بهبود کیفیت آهنگ گفتار هم گذاری شده در مرز کلمات هدف و کلمات بعد، یعنی در محدوده گذر از هجا پایانی کلمات هدف به هجا آغازین کلمات بعد، سطح فرکانس پالس ها مطابق با سطح فرکانس پالس های طبیعی بازسازی شد.

۲-۲-۳- آزمون ادراکی

فرضیه تحقیق عبارت بود از این که ویژگی‌های زنجیره‌ای از بافت نوایی تأثیر می‌پذیرند و این که در بازسازی یک پاره گفتار، برابر آوایی هر واحد بازسازی باید متناسب با جایگاه نوایی آن در سطح زنجیره گفتار مورد استفاده قرار گیرد تا کیفیت گفتار بازسازی در هر دو سطح زنجیره‌ای و زیرزنجیره‌ای به گفتار طبیعی نزدیک‌تر شود. اگر فرضیه مطرح شده درست باشد، در آن صورت انتظار می‌رود کیفیت پاره گفتارهای بازسازی شده نوع اول در مقایسه با نوع دوم و سوم طبیعی‌تر باشد. برای ارزیابی کیفیت گونه‌های گفتاری بازسازی شده و پاسخ به فرضیه تحقیق، یک آزمون ادراکی انجام شد. مراحل انجام این آزمون عبارت بود از:

الف) انتخاب شرکت‌کننده‌ها: شرکت‌کننده‌ها عبارت بودند از ۱۰ گویشور مرد و ۱۰ گویشور زن که همگی به زبان فارسی معیار به عنوان زبان اول صحبت می‌کردند. آزمودنی‌ها همگی تحصیل کرده بوده و متوسط سن آن‌ها بین ۲۰ تا ۳۵ سال بود. هیچ‌کدام از شرکت‌کننده‌ها سابقه بیماری یا اختلال شنوایی نداشتند. به علاوه هیچ‌یک در جریان هدف تحقیق قرار نداشتند.

(جدول ۱): میانگین و پراش میزان طبیعی بودن پاره‌گفتارهای بازسازی شده برای روش بازسازی نوع اول، دوم و سوم در سطح جایگاه‌های نوایی AP، IP و PW برای محرک‌های "پرگار"، "تردید" و "کاربرد"

کلمات هدف	جایگاه نوایی روش بازسازی	IP	AP	PW
پرگار	نوع اول	۳/۹۰ (۱/۰۸)	۴/۰۵ (۰/۸۸)	۳/۸۷ (۱/۰۹)
	نوع دوم	۳/۲۵ (۱/۱۰)	۳/۷۲ (۰/۹۳)	۳/۶۷ (۱/۰۱)
	نوع سوم	۱/۷۲ (۰/۹۶)	۱/۵۷ (۱/۰۳)	۱/۸۰ (۱/۸۰)
تردید	نوع اول	۳/۹۷ (۱/۱۰)	۴/۱۰ (۱/۰۲)	۴/۲۰ (۱/۰۸)
	نوع دوم	۳/۶۵ (۰/۹۱)	۳/۶۰ (۰/۹۱)	۳/۶۰ (۰/۹۳)
	نوع سوم	۱/۷۷ (۰/۸۷)	۱/۶۵ (۰/۸۳)	۱/۷۰ (۰/۸۸)
کاربرد	نوع اول	۴/۱۷ (۰/۷۹)	۴/۱۲ (۰/۸۴)	۴/۰۷ (۱/۱۰)
	نوع دوم	۳/۷۲ (۱/۱۱)	۳/۸۷ (۰/۹۵)	۳/۷۰ (۰/۹۳)
	نوع سوم	۱/۸۰ (۰/۸۱)	۱/۵۲ (۰/۷۴)	۳/۶۲ (۰/۷۲)

(جدول ۲): نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه برای جایگاه‌های نوایی AP، IP و PW برای "پرگار"

منبع تغییرات	جمع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	میزان F	سطح معنی داری
روش بازسازی (IP)	۵۰/۸۰۸	۲	۲۵/۴۰۴	۴۱/۱۶۷	۰/۰۰۰
روش بازسازی (AP)	۷۲/۳۵۸	۲	۳۶/۱۷۹	۶۸/۰۰۴	۰/۰۰۰
روش بازسازی (PW)	۵۲/۴۰۸	۲	۲۶/۲۰۴	۲۵/۴۱۳	۰/۰۰۰

(جدول ۳): نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای جایگاه‌های نوایی IP، AP و PW برای "تردید"

منبع تغییرات	جمع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	میزان F	سطح معنی داری
روش بازسازی (IP)	۵۶/۴۰۸	۲	۲۸/۲۰۴	۳۶/۹۳۶	۰/۰۰۰
روش بازسازی (AP)	۶۷/۰۳۳	۲	۳۳/۵۱۷	۶۰/۳۶۲	۰/۰۰۰
روش بازسازی (PW)	۶۸/۱۳۳	۲	۳۴/۰۶۷	۴۸/۳۰۴	۰/۰۰۰

(جدول ۴): نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای جایگاه‌های نوایی IP، AP و PW برای "کاربرد"

منبع تغییرات	جمع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	میزان F	سطح معنی داری
روش بازسازی (IP)	۶۳/۶۵۸	۲	۳۱/۸۲۹	۴۱/۶۳۵	۰/۰۰۰
روش بازسازی (AP)	۸۲/۳۰۰	۲	۴۱/۱۵۰	۶۳/۲۰۱	۰/۰۰۰
روش بازسازی (PW)	۶۹/۶۵۸	۲	۳۴/۸۲۹	۴۷/۵۲۳	۰/۰۰۰

اطمینان ۰/۹۵ نشان می‌دهد که اثر عامل روش بازسازی بر کیفیت گفتار بازسازی شده در سطح تمامی جایگاه‌های نوایی معنی دار است. نتایج آزمون تعقیبی LSD نشان داد که گونه‌های بازسازی شده نوع سوم در تمامی جایگاه‌ها با نوع اول و دوم تفاوت معنی داری دارند و تفاوت گونه‌های نوع اول و دوم فقط در جایگاه IP معنی دار نیست. در جایگاه‌های AP و PW این تفاوت معنی دار است. همچنین با توجه میزان F به دست آمده برای "کاربرد" در جایگاه‌های IP، $F=41/635$ ، AP، $F=63/201$ و PW، $F=47/523$ در سطح معنی داری $\alpha < 0/001$ و سطح اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت که روش بازسازی در تمامی جایگاه‌های نوایی بر کیفیت گفتار بازسازی شده اثر معنی داری دارد و مطابق با نتایج آزمون تعقیبی LSD تفاوت گونه‌های نوع اول و دوم در تمامی جایگاه‌ها با نوع سوم معنی دار است و تفاوت گونه‌های اول و دوم در جایگاه PW معنی دار است ولی در جایگاه‌های IP و AP معنی دار نیست.

۳- نتیجه گیری و بحث

در این تحقیق، فرضیه‌ای مطرح شد مبنی بر این که کیفیت گفتار بازسازی شده از واحدهای نوایی در مقایسه با گفتار بازسازی شده از واحدهای غیرنوایی به گفتار طبیعی نزدیکتر است چون واحدهای نوایی علاوه بر ویژگی‌های زبرزنجره‌ای، ویژگی‌های زنجیره‌ای گفتار طبیعی را نیز در بر می‌گیرند. برای آزمون، این فرض آزمایشی را انجام دادیم. در این آزمایش، سه گونه گفتاری متفاوت از کلماتی یکسان از طریق هم‌گذاری هجاها به سه روش متفاوت ساخته شدند. در روش اول، کلمات از طریق هم‌گذاری هجاهای نوایی بدون پردازش فرکانس پایه و دیرش هجاها ساخته شدند. در روش دوم، ابتدا کلمات با هجاهای غیرنوایی هم‌گذاری شدند و

(ج) تحلیل آماری: برای تحلیل آماری پاسخ‌ها، شامل ۵۴۰ پاسخ (۲۷ پاره گتار $20 \times$ آزمودنی) چند آزمون تحلیل واریانس یک طرفه به ازای هر یک از جایگاه‌های نوایی IP، AP و PW به طور جداگانه برای هر یک از محرک‌های "پرگار"، "تردید" و "کاربرد" انجام شد که در هر آزمون، روش بازسازی (با سه سطح گونه‌های بازسازی نوع اول، دوم و سوم) به عنوان متغیر مستقل و میزان طبیعی بودن متغیر وابسته در نظر گرفته شد.

(د) نتایج: (جدول ۱) میانگین و پراش پاسخ‌ها را برای روش بازسازی نوع اول، دوم و سوم در سطح جایگاه‌های نوایی IP، AP و PW به طور جداگانه برای محرک‌های "پرگار"، "تردید" و "کاربرد" نشان می‌دهد. چنان که مشاهده می‌شود، میانگین پاسخ‌ها برای تمامی محرک‌ها و در سطح تمامی جایگاه‌ها برای گونه‌های بازسازی نوع اول بیشترین و برای گونه‌های بازسازی نوع سوم کمترین است. جدول ۲، ۳ و ۴ نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه را به طور جداگانه برای جایگاه‌های نوایی IP، AP و PW به ترتیب برای محرک‌های "پرگار" (۲)، "تردید" (۳) و "کاربرد" (۴) نشان می‌دهد. برای "پرگار"، با توجه به میزان F به دست آمده برای IP، $F=41/167$ ، AP، $F=68/004$ و PW، $F=25/413$ در سطح معنی داری $\alpha < 0/001$ و سطح اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت که اثر عامل روش بازسازی بر کیفیت گفتار بازسازی شده در سطح تمامی جایگاه‌های نوایی معنی دار است. نتایج آزمون تعقیبی LSD نشان داد که تفاوت گفتار بازسازی شده نوع سوم در تمامی جایگاه‌ها با نوع اول و دوم معنی دار است و گونه‌های نوع اول و دوم فقط در جایگاه IP با تفاوت معنی داری دارند. در جایگاه‌های AP و PW این تفاوت معنی دار نیست. برای "تردید" نیز، میزان F به دست آمده برای IP، $F=36/936$ ، AP، $F=60/362$ و PW، $F=48/304$ در سطح معنی داری $\alpha < 0/001$ و سطح

Hirschberg and P. Prieto 1996. Training intonational phrasing rules automatically from English and Spanish text-to-speech Speech Communication, 18:281- 290.

Lewis, E., and Tatham, M. 2001. Automatic Segmentation of recorded speech into syllables for speech synthesis. *Proceedings of Eurospeech, 01*, 1703-1707. Aalborg

Pierehumbert, 1981. Synthesizing Intonation. *Journal of the Acoustical Society of America*. 70, 985-995

Pierehumbert, J. and Talkin, D. 1992. Lenition of /h/ and glottal stop", *Papers in Laboratory Phonology*, Vol II. 92-116

Sadat Tehrani, Nima 2007. The Intonation Grammar of Persian. PhD dissertation, University of Monitoba, Winnipeg.

Cho, T., Keating, P. 2001. Articulatory and acoustic studies on domain-initial strengthening in Korean. *Journal of Phonetics* 29, 155-190.

Jun Sun-Ah 1993. The Phonetics and Phonolgy of Korean Prosody. PhD Thesis, The Ohio State University.

Keating, P., Cho, T., et al. 1998. Domain-initial articulatory strengthening in four languages. *LabPhon* 6, 145-163.

Sato, H. 1992. Speech synthesis using CVC concatenation units and excitation waveform elements. *Trans. on Acoustical Society of Japan*, 83-69.

Smith, C.L. 1997. The devoicing of /z/ in American English: Effects of local and prosodic context. *Journal of Phonetics* 25, 471-500

Yoon, K. 2004. A prosodic phrasing model for a Korean text-to-speech synthesis system, *Journal of Phonetics*.

Yoon, K. 2008. Design and evaluation of prosodically-sensitive concatenative units for a Korean TTS system. *Journal of Computer Speech and Language*.

سپس هجاهای درون کلمات هم گذاری شده با توجه به جایگاه نوایی کلمات در سطح جمله در حوزه فرکانس پایه و دیرش پردازش شدند. در روش سوم، کلمات بدون هر گونه پردازش نوایی از طریق هم گذاری هجاهای غیرنوایی ساخته شدند. کلمات بازسازی شده سپس در جایگاه های نوایی آغاز و پایان IP، AP و PW در درون سه جمله حامل قرار داده شده و پس از تولید در یک آزمون ادراکی به شرکت کنندگان ارائه شدند. نتایج آزمون ادراکی نشان داد که کیفیت گفتار بازسازی شده نوع اول و دوم در تمامی جایگاه های نوایی به طور معنی داری از نوع سوم طبیعی تر است. درحقیقت، شرکت کنندگان گفتار بازسازی شده نوع سوم را با توجه به میانگین به دست آمده برای این گونه گفتاری در سطح جایگاه نوایی مختلف غیرطبیعی می دانند. همچنین، گرچه بر اساس نتایج به دست آمده کیفیت گونه های گفتاری نوع اول و دوم در حد "طبیعی" است (میانگین به دست آمده برای این گونه ها، به طور متوسط بین ۳/۵ تا ۴/۵ است)، ولی میزان طبیعی بودن گونه گفتاری نوع اول در تمامی جایگاه ها از نوع دوم بیش تر است و این تفاوت در بعضی از جایگاه ها (جایگاه IP برای "پرگار"، AP و PW برای "تردید" و PW برای "کاربرد") معنی دار است. این نتایج نشان می دهد که با به کارگیری واحدهای بازسازی حساس به بافت نوایی، کیفیت گفتار بازسازی شده تا حد قابل قبولی بهبود می یابد.

۴- منابع

ثمره، یدالله. ۱۳۶۴. آواشناسی زبان فارسی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

صادقی، وحید. ۱۳۸۶. تأثیر دمش بر تقبل واکداری- بی واکتی انسدادی های فارسی. زبان و زبان شناسی ۶، ۶۵-۸۱.

نوربخش، ماندانا. ۱۳۸۸. نقش تمایزی زمان شروع واک در هم خوان های دهانی فارسی معیار، رساله دکتری، دانشگاه تهران. سادات تهرانی، ۲۰۰۷.

Allen, J., Hunnicutt, M., Klatt, D. 1987. From Text to Speech. The MITalk System. Cambridge University Press.

Alan, W. Black, Lenzo, K. 2003. Building Synthetic Voices. URL <http://www.festvox.org/bsv/>.

Alan, W. Black, Paul, T., Richard, C. 1999. The Festival Speech Synthesis System. URL http://www.cstr.ed.ac.uk/projects/festival/manual/festival_toc.html.



وحید صادقی تحصیلات خود را در

مقطع کارشناسی رشته آموزش زبان

انگلیسی در سال ۱۳۷۶ به پایان

رساند. وی در سال ۱۳۷۹ در رشته

زبان‌شناسی در مقطع کارشناسی ارشد

از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و در سال ۱۳۸۵ نیز در

همان رشته مدرک دکترای خود را اخذ نمود. حوزه پژوهشی

مورد علاقه وی پردازش گفتار و درک و بازشناسی گفتار

است.

نشانی رایانامک ایشان عبارت است از:

vsadeghi5603@gmail.com